

مقالاتی از کتاب توقیف شده اکبر گنجی

مقاله زیر از کتاب "مجمع الجزایر زندان گونه"، در واقع نامه ایست خطاب به نمایندگان مجلس ششم برای تنظیم لایحه منع شکنجه. لایحه ای که اکنون تنظیم شده اما شورای نگهبان آن را رد کرده و همه طرفداران، رهبران و اعمال کنندگان شکنجه در تمام 23 سال گذشته با شورای نگهبان هم صدا شده اند و پیشاپیش همه آنها، رهبران جمعیت موفقه اسلامی. جمعیتی که اسدالله لاجوردی عضو شورای رهبری آن بود و بختیاری (سرپرست کنونی زندان زندان های ایران) نیز عضو رهبری آنست. از ابتدای پیروزی انقلاب 57 این جمعیت تسخیر دو سنگر را هدف اولیه خود قرار داد: تشکیلات امنیتی جمهوری اسلامی و زندان های جمهوری اسلامی. از درون این دو سنگر انقلاب به توپخانه جنایت و غارت سپرده شد و سفره چپاولی گسترده شد.

انفرادی سلول

بسمه تعالی

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

همانگونه که مستحضری قدرت میل به تراکم و تمرکز دارد و تراکم و تمرکز قدرت به ایجاد "قدرت مطلقه" غیر پاسخگو می انجامد. قدرت مطلق به فساد مطلق می انجامد. بهترین روش برای کاستن از فسادهای قدرت، توزیع قدرت و نظارت مستمر بر آنست. تفکیک قوا، برگزاری انتخابات مستمر آزاد و رقابتی، تشکیل احزاب غیر حکومتی، وجود رسانه ها و بالاخص مطبوعات آزاد و غیر دولتی، حضور هیات منصفه در کلیه دادگاهها به عنوان نماینده واقعی افکار عمومی و... برخی از راههایی است که آدمیان برای توزیع قدرت و نظارت بر آن یافته اند.

مجلس به عنوان نماینده ملت وظیفه دارد از حقوق شهروندان در مقابل قدرت نا محدود و غیر پاسخگو دفاع کند و با وضع قوانین مانع از آن شود که دولت شهروندان را به صورت بردگان بی پناه در آورد. شهروند به فرد "صاحب حق" اطلاع می شود و حکومت باید محصول قرار داد جمعی آزادانه و رضایت چنان افرادی باشد. در صورت تعارض بین حقوق شهروندان و منافع حکومت، رعایت حقوق شهروندان اصل است.

در جوامع توسعه یافته ابتدا علیه متهمان، مدرک، سند و شاهد کافی جمع کرده، سپس آنان را به دادگاه می کشانند و در صورت احراز جرم متهمان از سوی هیات منصفه، آنها را راهی زندان می کنند. اما متأسفانه در اینجا ابتدا با شکایت رئیس دادگستری "مدعی العموم" شهروندان را "بازداشت موقت" می کنند، حکم بازداشت موقت را هم به امضای رئیس قوه

قضائی و یا معاون وی می‌رسانند و آن گاه او را در سلول‌های انفرادی حبس می‌کنند تا در اثر فشارهای جسمی-روانی به جرائم اعتراف و براساس اعترافات مدارک محکومیت آماده گردد.

متهمی که مدت‌ها در سلول انفرادی نگاهداری و ارتباطش با دنیای خارج کاملاً قطع می‌شود، به احتمال زیاد به "جرائم ناکرده" اعتراف خواهد کرد. مجلس باید با وضع قانون راه این فرایند نا مشروع را مسدود نماید و نگذارد که قضات در کلیه جرائم، آنهم به طور نا محدود، متهمان را در سلول‌های انفرادی حبس و از این طریق متهمان را وادار به اعتراف کنند. تنها راه ممانعت از این روش نا مشروع و حفظ حقوق شهروندان، ممنوع کردن سلول انفرادی مگر در موارد بسیار استثنائی و مستند به دلائل موجه و محاسبه تصاعدی نگاهداری در سلول انفرادی است.

ترفند دیگر آن است که برخی از قضات متهمان را در بازداشتگاه‌های انفرادی، در يك سلول بزرگتر از سلول انفرادی یا يك اتاق (مانند بند 240) نگاه می‌دارند و با بعضا درب چند سلول انفرادی را به روی یکدیگر می‌گشایند (مانند بند 209) اما متهم را، ماهها و بعضا سالها، با شرایط کاملاً حاکم بر سلول‌های انفرادی، در این وضعیت نگاه داشته و مدعی می‌شوند که متهم دیگر در سلول انفرادی حبس نیست.

مجلس باید این روش ناصواب و زجر آور را برچیند و راه آن این است که نگاهداری متهمان را در بازداشتگاه‌های انفرادی، به هر نحو و شکل، نگاهداری در سلول انفرادی محسوب نماید.

تصویب ماده پیشنهادی زیر و الحاق آن به آئین دادرسی کیفری تا حدودی از حقوق شهروندان در مقابل روش‌های نامطلوب غیر حقوقی حمایت خواهد کرد. این ماده می‌تواند به صورت "ماده مکرر 37" به قانون آئین دادرسی اضافه شود.

ماده 37 مکرر: نگاهداری متهمان در سلول‌های انفرادی ممنوع است.

تبصره 1- جرائم امنیتی داخلی و خارجی از این حکم مستثنا است.

تبصره 2- هر روز نگاهداری متهمان در سلول‌های انفرادی و بازداشتگاه‌های انفرادی، به هر نحو و شکل، از يك روز تا پانزده روز، روزی ده روز، از يك روز تا پانزده روز، روزی ده روز، از يك روز تا سی روز، روزی بیست روز و از يك روز تا يك ماه به بالا، روزی سی روز محاسبه خواهد شد.

مقاله مشروح انقلاب-زندان نیز در اشاره به وضع زندان‌ها در ایران نوشته شده است. در این مقاله نیز گنجی برای گریز از ممنوعیت‌ها، شرح مفصلی در باره خاطرات زندانیان دوران استالین و خاطرات نلسون ماندلا رهبر افریقای جنوبی می‌دهد که به قدیمی‌ترین زندانی سیاسی جهان شهرت دارد. بخش‌هایی از این مقاله را که مربوط به زندان در جمهوری اسلامی در زیر می‌آوریم.

انقلاب- زندان

قضاوت فردی که نزدیک به سه دهه از عمر خود را در زندان گذرانده، بسیار مهم است و می‌تواند زوایای دیگری از زندان را به روی ما بگشاید. نلسون ماندلا می‌نویسد: «زندان نه تنها آزادی را از شما می‌ستاند، بلکه حتی می‌خواهد هویت شما را نیز برباید. همه آنفورم مشابه می‌پوشند، غذای یکسان می‌خورند و یک برنامه را دنبال می‌کنند. در تعریف آن می‌توان گفت در آنجا شرایطی کاملاً استبدادی حاکم است که هیچگونه استقلال یا فردگرایی را تحمل نمی‌کند، انسان به عنوان یک مبارز آزادی بخش و یک انسان باید علیه این تلاش زندان برای ربودن این خصوصیات از شخص مبارزه کند.»

گنجی پس از این نقل قول از نلسون ماندلا می‌نویسد: «آزادی ستیزان، دشمنان کثرت گرایی معرفتی و تکرر اجتماعی، زندان را برای نابودی "تفرد" کافی نمی‌داند، حبس در سلول انفرادی و قطع کامل ارتباط دگراندیشان با تمامی آدمیان، روش بُراندن و مطیع کردن نافرمانان است... دگراندیشان و دگریاشان مشکل و مساله اصلی نظام‌های اقتدارگرا و توتالیتار هستند- چرا که با افکار و رفتار خود مدل‌های رقیب اندیشه و سبک زندگی را به نمایش می‌گذارند. رژیم‌های اقتدارگرا به دنبال نابودی دگراندیشان به روش‌های مختلفند. جاسوسی اتهامی است که اگر دگراندیشی بدان اعتراف کند، راه‌نابودی خود و دوستان همفکرش را هموار کرده‌است... حقوق بشر امر زینتی نیست. آدمیان دوران جدید با "تفرد" شکل گرفتند و خود را صاحب حق دانستند. هیچ نظامی دیگر نمی‌تواند با نادیده گرفتن حقوق شهروندان و در تعارض کامل با افکار عمومی، به جنگ دگراندیشان و دگریاشان رفته و با حبس مخالفان در سلول‌های انفرادی مخفی و یا ترور روشنفکران به بقای خود ادامه دهد.»

گنجی که در مقاله "زندان-انقلاب"، برای شرح زندان، بازجویی، شکنجه، اعتراف و مرگ در زندان‌های ایران و برای گریز از ممنوعیت‌ها، از خاطرات نلسون ماندلا و زندانیان دوران استالین یاری گرفته‌است، در پایان این مقاله می‌نویسد:

«می‌خواستم در باره زندان‌های ایران یادداشتی بنویسم، اما ترجیح دادم تا "سر دلبران" را "در حدیث دیگران" به تصویر کشم. می‌توان با دشمن سازی خیالی دائما جامعه را در وضعیت انقلابی نگاه داشت و چون دُن‌کیشوت به جنگ دنیای جدید رفت. مدرنیزاسیون و دمکراتیزاسیون و سکولاریزاسیون فرایندهای طبیعی‌اند که چون بهار پس از زمستان سرد از راه فرا خواهند رسید. اگر کسی بتواند مانع آغاز فصل بهار شود، خواهد توانست جلوی فرآیندهای ساختاری دنیای جدید را نیز بگیرد. یک روز، که خیلی دور نخواهد بود، درب بایگانی‌ها گشوده خواهد شد و به تاریکخانه‌ها نور آزادی خواهد تابید.